

احمد رضا همتی

بعد از پلانتینسکا و هیک این بار توبت سوئین برن بود تا فلسفه دین را کماکان در ایران زنده نگاه دارد. دهه هفتاد ایران که لوح شکوفایی فلسفه دین بود، در نهایت چنان یا سیاست آمیخته شد که علاقمندان این مباحث را به کنج خلوت فلسفیدن به موضوعات بنیادین این حوزه کشاند آمدن پیرمرد شیک پوش ۷۱ ساله نیز به نوبه خویش به این امر دامن زد.

چهارشنبه ۲۵ آبان ماه موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران یا همان انجمن حکمت و فلسفه خودمان که در این سال ها در دعوت از نامدوران فلسفه پیشگام بوده است، میزبان این فیلسوف بود تا مشیت خدا و تحقق شرور را مورد تدقیق فلسفی قرار دهد. هرچهارگرا نویل سوئین برن در سال ۱۹۲۲ در شهر «اسمیتیک» انگلستان به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۹ در رشته فلسفه از دانشگاه آکسفورد لیسانس گرفت و سپس در دانشگاه لیروز و آکسفورد به تحصیل تاریخ علوم زمینی و فیزیک پرداخت.

مدتی هوای کشیش شدن به سرش زد و بدین دلیل به مرکز «سنت استکان» در آکسفورد پیوست و توانست دانش نامه الهیات را با درجه ای ممتاز دریافت کند. اما شرایطی پیش آمد که از کشیش شدن منصرف شد و تمام وقت خود را صرف کارهای فلسفی کرد. او از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۲ در دانشگاه هال و از ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۲ در دانشگاه کیل تدریس کرد و تا سال ۲۰۰۲ به تدریس در دانشگاه آکسفورد اشتغال داشت.

یکی از کتاب های جالب او در فلسفه علم «درآمدی بر نظریه تأیید» است که هدف از نگارش آن باور او به این مسئله بود که هر نظام متافیزیکی صحیح مانند الهیات مسیحی، باید مبتنی بر یافته های علمی باشد. اما آنچه که باعث شهرت سوئین برن شده است، تحقیقات او در حوزه فلسفه دین است. سه کتاب او با نام های «انسجام خدایاوری»، «مفهوم معجزه» و «وجود خدا» از تاثیر گذارترین آثار در حوزه فلسفه دین است. شاید بتوان گفت کتاب «انسجام خدایاوری» (مخصوصا چاپ سال ۱۹۹۳)، بیان کننده دیدگاه های اصلی فلسفی اوست.

یکی از دعاوی آن کتاب که با استدلالات دقیقی همراه شده این است که مسئله شر انسجام خدایاوری را زیر سؤال نمی برد. این کتاب که کاملا صیغه تحلیلی دارد، استدلال های مخالف را با شیوای منطقی به چالش می خواند. در کتاب «وجود خدا» سه برهان اصلی در اثبات خدا را بررسی می کند و در جهت تثبیت و تقویت هر کدام از دستاوردهای جدید خصوصا در حوزه علوم طبیعی بهره

می گیرد. مثلا در بررسی استدلال «غایت شناختی» (Teleological argument) به مفهومی از «نظم» توسل می جوید که هم نظم زمانی را دربر گیرد و هم نظم مکانی را. منظور از نظم زمانی، قاعده مندندی های مربوط به توالی است که در فعالیت موجودات است. با رویدادهای عالم دیده می شود، خصوصا رویدادهایی که برانگیز قوانین طبیعت هستند. نظم مکانی اما در بردارنده قاعده مندندی های مربوط به «حضور مشترک» (Co-present) است. به نوعی می توان گفت کار سوئین برن در این کتاب بسط و گسترش کارهای «نتنت» در زمینه نظم در عالم است که آن را متافاتی با نظریه تکامل نمی داند. در واقع استدلال نظم در آرای سوئین برن به چار برجسته است و بنیان فلسفی او بر این برهان نهاده شده است. او حتی



تلاش

در کتاب «مکان و زمان» که سال ها قبل از کتاب «وجود خدا» منتشر شده بود، به پدیده نظم در علوم نوین توجه خاصی دارد. به طرز کلی دیدگاه او در این زمینه این است که «برهان طرح (Design argument) از وجود نظم یا قاعده مندندی موجودات و پدیده های جهان به وجود یک خدا یا عامل عللی غیر جسمانی استدلال می کند» او همچنین آرای هیوم را در این زمینه بررسی می کند و هشت دلیل را که هیوم در رد نظم آورده، صورت بندی کرده و به تمام آن ها پاسخ می دهد. نکته مهم در کارهای سوئین برن استفاده او از حساب احتمالات است. به نظر او شواهد به نفع وجود خدا حکایت از درجه بالایی از احتمال دارد. البته قصد این مقاله بررسی و تتبع در آرای سوئین برن نیست که خود بحث مفصلی را می طلبد. در این مقاله به مسئله شر از دیدگاه سوئین برن که موضوع سخنرانی او در ایران بود می پردازیم.

از نظر سوئین برن، خدا از دیدگاه خداپرستان، قادر مطلق، عالم مطلق و خیر مطلق است. اما این قدرت و علم

خاطرات فرای استاد پیشین ایرانشناسی دانشگاه وارده اکنون در آستانه ۸۵ سالگی است. او در اسفند سال جاری به دعوت جشنواره خوارزمی به ایران آمد. او در ابتدای سخنرانی خود گفت که دیگر پیر شده و آدم پیر حرفی جز خطله ندارد. با این حال سخنرانی کوتاهی با موضوع دین و دولت در ایران ایراد کرد. فرای سخنرانی خود را با توضیحی از پیشینه دولت در بین النهرین آغاز کرد و گفت که در تاریخ و حدودا چهار هزار سال پیش در بین النهرین ما مملکت های کوچکی داشتیم و با به عبارتی هر شهری یک کشور محسوب می شد. بابل، لوروک، میلام هر کدام یک کشور محسوب می شد. هر کدام از این ممالک یک رئیس داشتند که آن فرد هم رئیس و هم کشیش بود. به عبارتی دیگر در آنجا دین و دولت یکی بود. پروفیسور فرای نگرش ایرانیان را به دین و دولت بسیار متفاوت دانست و اشاره داد تا ایرانیان در سه هزار سال پیش یک فلسفه دیگری داشتند و آن این بود که یک نفر رئیس قبیله و یک نفر شامان و کشیش بود. بدین ترتیب ریاست بر عهده دو نفر بود. البته به نظر من چیزی که برای تاریخ بشر بسیار اهمیت دارد این است که ایرانیان قانون مخصوص بین المللی را تدوین کردند. در تمام نوشته های ایرانی آمده بود که دین و دولت باید جدا از هم باشد. در عهد نلر اردشیر و پند نامه گورشیروان و در قابوس نامه و سیاست نامه و صیحه الملوک همیشه هشدار می دادند که دین و دولت باید جدا شود و عقده دو برادر به یکدیگر کمک کنند و هر دو یکی نمی شود و همیشه در تاریخ ایران این گونه بود. پروفیسور فرای به آوری این نکته که تقریباً ۶۰۰ سال پیش به خدمت آرت الله العظمی بروجرودی به قم رفته بود گفت: من یادم هست که ایستادن اجتهاد باید همیشه باز باشد. و نباید هیچ وقت اجتهاد بسته بماند. معنای این حرف این است که علم و فرهنگ و دین تغییر می یابد و باید قبول کنیم که در دنیا پیشرفت وجود دارد و این از اصول مهم تشیع است. مانی تولیم به قرن ششم و هفتم باز گردیم. از تکنولوژی باید استفاده کرد. اما میراث ایران را نباید فراموش کرد.

سوئین برن در حال سخنرانی در دانشگاه آکسفورد



مطلق شامل اموری نیست که به تناقض بینجامد. در واقع قادر مطلق و خیر مطلق بودن خداوند مستلزم آن است که مشیت او متع از تحقق شرور شود. البته او این امر را مشروط به تحقق چهار شرط زیر می داند: ۱- تحقق یک خیر بدون تحقق یک شر به لحاظ منطقی محال باشد و هیچ راه اخلاقا مجاز دیگری برای تحقق خیر مذکور وجود نداشته باشد. ۲- خدا موجود خیر است و اعطای قدرت انتخاب آزادانه مبتنی بر فرض وجود طرفین خیر و شر و دانستن اراده آزاد است. ۳- اجازه وقوع شر مورد نظر، به هر دلیل حسن اخلاقی داشته باشد. ۴- خیریت خیر مورد نظر، بیش از شریت شری باشد که ناگزیر با آن ملازمه دارد. اگر خدا وجود دارد، شرور در عالم لزوما در خدمت یک خیر بزرگتر خواهد بود و وجود شرور، دلیل و علیه وجود خدا به شمار نمی آید.

از نظر سوئین برن جهاتی که در آن انسان ها بتوانند به یکدیگر نفع برسانند، ولی نتوانند زیان بزنند، جهانی است که در آن افراد مسئولیت بسیار محدودی نسبت به یکدیگر دارند. در واقع از منظر او حق انتخاب آزادانه در شکل دهی و شخصیت بخشی به فاعل هر عملی نقش مهمی دارد. بدین دلیل این حق انتخاب تنها در صورتی قابل دستیابی است که فرد در ایجاد یک شخصیت منفی برای خود نیز آزاد باشد. او استدلال خود را هم برای شرور طبیعی به کار می گیرد و هم شرور اخلاقی. او معتقد است با بودن شرور طبیعی، انسان ها با تحمل این شرور هم فرصت بروز فضایل اخلاقی را می یابند و هم امکان کمک به افرادی که از این شرور متحمل درد و رنج شده اند. اما سؤال این است که آیا خداوند حق او را ندارد که برای خیر بزرگتری، شری را به انسان ها تحمیل کند؟ پاسخ سوئین برن به این سؤال بزرگرفته از یک تشابه است. او می گوید همان گونه که ما نسبت به فرزندان خود که حق حیات آن ها به ما وابسته است، چنین حقی داریم پس خداوند به طریق اولی چنین حقی دارد. اما در باره افسردگی که در زندگی آن ها درد و رنج بیش از خیر است، چه باید گفت؟ او معتقد است در باره این افراد باید به فایده های که از حیات آن ها برای دیگران حاصل می شود، توجه کرد. در واقع این مفید بودن برای دیگران خود یک خیر بزرگ به شمار می آید.

کتابخانه